

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Politacal

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: حمید محوی
۲۶ اپریل ۲۰۱۶

مصر به کجا می رود ؟

از ۵ سال پیش، تاریخ مصر مانند بسیاری از دیگر کشورهای عرب درگیر با توطئه، خشونت، و گزارشات ضد و نقیض بوده است. همه آنچه افکار عمومی در سطح بین المللی در این و یا آن تاریخ بدان باور داشت با ورود عناصر جدید زیر سوال رفت. در اینجا، با به پرسش گرفتن آنچه رئیس جمهور ال سیسی پنهان کرده، تی یری میسان بر آن است تا حقیقت را از دروغ تفکیک کند

ولتر شبکه/ دمشق (سوریه) ۲۵ اپریل ۲۰۱۶

رئیس جمهور سابق مصر حسنی مبارک به اتهام سرقت مالی و مسئولیتش در سرکوب تظاهرات محکوم شد. با وجود این، صحت رویدادهایی که در آن تاریخ به وقوع پیوست و مورد تأیید همگانی قرار گرفت، هرگز روشن نشد. جامعه بسیار محافظه کار مصر، به رهبری نظامیان، در طول ۵ سال گذشته ناآرامیهای را به خود دید که هنوز کاملاً از آن بیرون نیامده است. این رویدادها را می توانیم به سه شیوه مختلف بررسی کنیم، که البته هیچ یک از آنها کامل نیست:

۱- برای دولتهای غربی و رسانه هایشان، هر رژیم نظامی به خودی خود بی اعتبار است و شاهد این امر نیز رویارویی بین طرفداران حکومت نظامیان و دموکراتها بوده است. مشکل این دیدگاه از یکسو به این دلیل است که اولاً نظامیان مصر جمهوریخواه هستند و از سوی دیگر خیلی بیشتر از دموکراتها از پشتیبانی مردم برخوردارند.

۲- برای مدافعان حقوق، محمد مرسی با ۱۷٪ رأی، قانوناً به مقام ریاست جمهوری دست یافت. با وجود این، قانونیت او با اعتراض ۳۳ میلیون مصری از جمله با پیوست مدارک روبه رو شد و خواستار برکناری او شدند، زیرا هیأت انتخاباتی رأی شهروندان را در سال ۲۰۱۲ رعایت نکرده است. در نتیجه، ناممکن است که سرنگونی او را " کودتا " بنامیم.

۳- برای خود مصریها، این رویدادها در ادامه مبارزه بین طرفداران ناسیونالیسم و اسلامگرا تعریف می شود. فرقه اخوان المسلمین برای کسب قدرت از دوران سوء قصدهای نخست وزیران در سال ۱۹۴۵ و رئیس جمهور در سال ۱۹۸۱ چندین بار تلاش کرد، و سرانجام به مدد ایالات متحده انتخابات را به تحریف کشید. با وجود این، امروز می بینیم که قهرمان ناسیونالیستها کشور را به سعودیها فروخته است.

استعفای حسنی مبارک (۱۱ فبروری ۲۰۱۱)

در سال ۲۰۱۱، تظاهرات مردمی به مثابه ابزار کار توطئه واشنگتن که از پیش یک ارتش کامل از سازمان های غیر دولتی را در محل آماده کرده بود به کار برده شد، این سازمان ها در " انقلابهای رنگی " شرکت داشتند و هماهنگ سازی آنها به عهده گروه جین شارپ Gene Sharp [1] بود. و از اینجا به بعد " بهار عرب " آغاز می شود. کاخ سفید یکی از شخصیت های برجسته سازمان سیا، آقای سفیر، فرانک ویسنر Frank Wisner که پدر زن نیکلا سرکوزی نیز هست [2] را به قاهره فرستاد. پس از نمایش پشتیبانی اش از حسنی مبارک، به او دستور داد که استعفاء بدهد. حسنی مبارک با آگاهی به عدم توانش در بازگرداندن نظم به کشور، از انتقال قدرت به پسر بزرگش جمال صرف نظر کرد، و مسئولیت هایش را به نفع معاون رئیس جمهور ترک کرد. و این " انقلاب نیلوفر " بود که فراگیر می شد. پس هرج و مرج کشور را فرا گرفت. در حله نخست، مسؤولان سازمانهای غیر دولتی به جرم تأمین مالی تا ۴۸ میلیون دالر برای " تغییر رژیم " بازداشت شدند. سپس به همراه آنانی که به سفارت ایالات متحده پناهنده شده بودند با یک هواپیمای ویژه سازمان سیا به خارج منتقلشان کردند [3].

واشنگتن از نامزد اخوان المسلمین محمد مرسی پشتیبانی کرد. یوسف قرضاوی در اردوی انتخاباتی اش، مبشر فرقه و "مشاور معنوی " شبکه تلویزیون قطري الجزیره، به میدان تحریر آمد تا بگوید که فوریت امر در مبارزه برای بازشناسی حقوق مردم فلسطین نیست بلکه باید برای پاکسازی جامعه از وجود همجنسگرایان اقدام کنند.

در پایان انتخاباتی که فقط ۳۵٪ از رأی دهندگان شرکت کردند و در حالی که مرسی ۱۷٪ آراء را در اختیار داشت، برنده اعلام شد. با وجود این، در نامه ای که بعداً منتشر شد، رئیس هیأت انتخاباتی نوشته بود که گزینش بر اساس نتایج رأی گیری انجام نگرفته، بلکه هدف این بود که از گزینش ژنرال احمد شفیق جلوگیری شود (نخست وزیر فانی حسنی مبارک)، زیرا گزینش او می توانست برای اخوان المسلمین به مثابه علامتی برای بر پا کردن جنگ داخلی عمل کند [4].

ایالات متحده که این عملیات تحریف آمیز را سازماندهی کرده بود، ملیت مضاعف مرسی را در مقام شهروند مصری و امریکائی در انتخابات دموکراتیکش به او تبریک گفت، تعبیری دروغین فوراً از سوی کشورهای دیگر منتشر شد و "عادی شدن " وضعیت مصر را تبریک گفتند، زیرا پس از ۵۰۰۰ سال حکومت نظامی، نخستین دولت مدنی در مصر بر سر کار آمده است.



۶ اکتوبر ۲۰۱۲، سالگرد سوء قصد به رئیس جمهور انور سادات، رئیس جمهور میزبان سه نفر از فرقه اخوان المسلمین بود که در توطئه علیه رئیس جمهور پیشین شرکت داشتند. او یکی از آنها را به عنوان مشاور حقوق بشر برگزید و یکی دیگر را به عنوان سناتور.

ریاست جمهوری محمد مرسی (۳۰ جون ۲۰۱۲ - ۳ جولای ۲۰۱۳)

محمد مرسی به محض این که بر مسند قدرت نشست، دیکتاتوری به اصطلاح مذهبی خود را نیز به راه انداخت. او دولت را با اعضای فرقه اخوان المسلمین تشکیل داد و آنانی را که به جرم تروریسم محکوم شده بودند، تیرئه کرد. محمد مرسی رسماً از قاتلان رئیس جمهور قدیمی انور سادات استقبال به عمل آورد و به آنان تبریک گفت، و مسئول عملیات سوء قصد را بر مسند فرمانداری شهر اقصُر نشانده [5]، و سپس دموکراتها را زیر فشار و پیگرد قرار داد، زیرا علیه برخی از سیاست های حسنی مبارک تظاهرات کرده بودند (ولی نه برای استعفایش). او در عین حال از اردوی وسیع نسل کشی علیه مسیحیان به مدیریت اخوان المسلمین پشتیبانی کرد و بر جنایاتشان سرپوش گذاشت: از جمله، اعدامهای بی دادگاه، غارت و تخریب و آتش زدن کلیساها. همزمان، شرکتهای بزرگ را خصوصی سازی کرد و اعلام داشت که ممکن است کانال سوئز را به قطر بفروشد. البته باید بدانیم که قطر پدرخوانده فرقه اخوان المسلمین است.

از کاخ ریاست جمهوری، محمد مرسی دست کم چهار بار تلیفونی با ایمان ظواهری تماس گرفته است، این شخص یکی از قاتلان انور سادات است که بعدها بر مسند پیشوای جهانی القاعده تکیه زد [6].

در این دوران، یک گروه جهاد طلب، تحت لَوای "انصار بیت المقدس" در سینا متشکل شد. بی آن که ارتش مصر مداخله کند، این اسلامگرایان چندین بار علیه لوله های انتقال گاز که مصر را به اسرائیل و اردن متصل می کند حمله کردند. رئیس جمهور مرسی هیأتی رسمی برای ملاقات نزد خلیفه داعش، ابوبکر بغدادی که مثل خودش عضو فرقه اخوان المسلمین است فرستاد. ولی هیچ یک از طرفین به توافق نرسیدند و هر یک از رهبران خواستار تبعیت دیگری شد.

سرانجام، رئیس جمهور مرسی برای کمک به اخوان المسلمین در سوریه، به ارتش دستور داد تا خود را برای حمله به جمهوری عرب سوریه آماده کنند و این تصمیم زیادی بود. ارتش مصر که بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ با ارتش سوریه ادغام شده بود، دستور برای حمله به سوریه را به مثابه به زیرسؤال بردن رؤیای اتحاد عرب در دوران جمال عبدالناصر تلقی کرد و به جامعه مدنی روی آورد.

جامعه مصر برای فرمانبرداری از قدرت حاکم و قیام های توده ئی و ناگهانی اش شهرتی خاص دارد. در مقابل نخستین تصمیمات رئیس جمهور مرسی واکنش نمی دهد، حتا کشتار مسیحیان نیز کلیت آن را به حرکت وانی دارد. اتحاد وسیعی کل سازمانهای سیاسی چپ و راست، از جمله سلفی مشربان را علیه فرقه اخوان المسلمین متشکل می کند.

در اینجا، اتحادیه گسترده ترین تظاهرات تاریخ را در پاسخ به ارتش سازماندهی می کند و از ارتش می خواهد که دیکتاتوری محمد مرسی را سرنگون کند و اخوان المسلمین را نیز در پی او بیرون راند. در طول ۵ روز، گوئی رود نیل طغیان کرده باشد، ۳۳ میلیون مصری علیه فرقه اخوان المسلمین راه پیمائی کردند و با قدمهایشان رأی دادند.

ارتش وفادار با حفظ احتیاط برای آن که ایالات متحده دیگر نتواند آدمهایش را نجات دهد، به محض این که دفاتر واشنگتن به دلیل پایان هفته ای که به خاطر جشن ملی ایالات متحده طولانی تر شده بود خالی شد، مرسی (همکار قدیمی پنتاگون که همواره به اسرار دفاعی ایالات متحده دسترسی دارد) را سرنگون کرد. اخوان المسلمین کوشید تا قدرت را

حفظ کند و با خشونت تمام در برابر ارتش ایستادگی کرد. در طول یک ماه، خیابانهای قاهره صحنه برخوردهای خشونت آمیز بود. دولت موقت تشکیل شد، انتخابات نیز در پی آن راه اندازی شد، در حالی که غربیها، قطر و ترکیه با چیدمانی از صغرا کبراهای "انتخابات دموکراتیک" رئیس جمهور مرسى، "کودتای نظامی" را افشا می کردند. به طور مشخص، ژنرال عبدالفتاح سیسی که عملیات تنظیم مؤسسات را به عهده داشت، با ۹۶٪ آرای عمومی برگزیده شد، در حالی که الجزیره برای قتل او فراخوان می داد.

در طول ۵ روز، ۳۳ میلیون مصری دست به تظاهرات زدند و از ارتش خواستند تا رئیس جمهور محمد مرسى را سرنگون کند.

تنظیم مجدد مؤسسات به دست عبدالفتاح سیسی

مارشال عبدالفتاح سیسی فرمانده اطلاعات نظامی در دوران ریاست جمهوری مبارک بود، سپس وزیر دفاع در ریاست جمهوری مرسى. در گام نخست، نظم و صلح اجتماعی را باز می گرداند. زندانیان سیاسی را آزاد می کند. از مسیحیان برای اذیت و آزاری که متحمل شدند عذرخواهی کرد و کلیساهایی را که طعمه آتش شده بود باز سازی کرد. پرونده هائی را تحویل عربستان داد که گواه بر وجود تدارکات محمد مرسى برای آماده کردن کودتا علیه ریاض بود تا اخوان المسلمین را به قدرت برساند. رژیم سلطنتی واکنش نشان داد، از یکسو فرقه اخوان المسلمین را در عربستان ممنوع اعلام کرد و از سوی دیگر، برای مصر کمک هائی را در نظر گرفت. بر اساس چنین سیاستی، عبدالفتاح سیسی موفق شد با وجود اقتصاد ویران شده، خوراک مردم را تأمین کند.

به پاس خدمات سعودی ها، مارشال سیسی ارتش مصر را برای شرکت در جنگ یمن گسیل می کند. ابتداء نیروی کمکی مصر کنترل سواحل را به عهده می گیرند، ولی افکار عمومی خیلی زود پی می برد که فرماندهی عملیات از سوی ریاض به ارتش اسرائیل واگذار شده است. سربازان مصری بی سر و صدا و بی آن که این خبر رسماً اعلام شود از جبهه خارج می شوند.

همزمان در سینا، انصار بیت المقدس حملاتش را علیه منافع اسرائیل متوقف می کند و نیروی نظامی خود را علیه دولت مصر به کار می بندد، و با داعش در سوریه تماس می گیرد و اقتدار این گروه را به رسمیت می شناسد. بر اساس این امر ولایت سینا را در بطن خلافت اسلامی داعش ایجاد می کند.

در بین این مدت، به کمک چین، رئیس جمهور سیسی گذرگاه آبی سوئز را دو برابر کرد، گرچه این طرح کاملاً به بهره برداری نرسیده است. هدف این است که مصر در چشم انداز گسترش راه ابریشم نوین برای عبور و مرور عظیم تولیدات چین به اروپا آماده شود. در تابستان ۲۰۱۵، شرکت ایتالیائی هیدروکربور ENI اعلام کرد که منبع نفت زهر را در آبهای مرزی مصر کشف کرده است. از این پس مصر می تواند معادل ۵،۵ میلیارد بشکه نفت استخراج کند.

ولی رشته کارها از کنترل خارج می شود. اخوان المسلمین با اتکاء به داعش در سینا مقامات عالی و قضائی را به قتل می رسانند. ارتش وارد دهلیزی از خشونت می شود، در حالی که رئیس جمهور سیسی از این وضعیت برای بازداشت دموکراتها و ناسیونالیست ها استفاده می کند. به تدریج، کارت ها از بازی خارج می شود: دولت از منافع ملی دفاع می کند، ولی رهبران مدنی را که هدف رسمی او را پشتیبانی می کنند، تحت فشار قرار می دهد.

در نتیجه، محمد حسنین هیکل سخنگوی قدیمی ناصر و نماد ناسیونالیست ها رسماً اعلام کرد که وقت آن رسیده است که رئیس جمهور سیسی، (۱) رسماً کشتار در یمن را افشاء کند. (۲) برای پشتیبانی از رئیس جمهور سوریه بشار اسد و علیه اخوان المسلمین به دمشق برود. (۳) برای تضمین ثبات منطقه به ایران نزدیک شود.

سه پیشنهادی که مستلزم فاصله گیری از عربستان سعودی خواهد بود.
 حسنین هیکل در سن ۸۷ سالگی ناگهان چشم از جهان فروبست بی آن که مارشال سیاسی به او پاسخ بگوید.



در شب ۱۱ به ۱۲ اپریل، نشر پی دی اف روزنامه المصری الیوم در صفحه اول خود اعلام کرد: "دو جزیره و یک دکتر را برای سلمان... و میلیارد ها برای مصر." فوراً قدرت حاکم در چاپ کاغذی در روز ۱۲ اپریل منتشر شد، متن را تصحیح کرد. در عنوان مقاله چنین نوشته شد: "میوه ملاقات با سلمان: دو قرارداد در ابعاد ۲۵ میلیارد دالر." جزایر تیران و صنافیر

در ۱۱ اپریل ۲۰۱۶، شاه سلمان به قاهره رفت. شاه سلمان اعلام کرد که در مصر ۲۵ میلیارد دالر سرمایه گذاری می کند. زیر چشمان حیرت زده همگانی، رئیس جمهور نیز اعلام کرد به پاس این خدمت بزرگ و در چهارچوب توافق مرز دریائی دو جزیره تیران و صنافیر را به عربستان اهداء می کند.

پیش از این، بین عربستان و مصر بر سر این دو جزیره اختلافاتی وجود داشت. دو جزیره دریای سرخ را مسدود می کند. در جنگ ۶ روزه اسرائیل این جزایر را اشغال کرده بود. عربستان سعودی از آنجائی که نمی خواست وارد جنگ شود، به جای دفاع از آنها به مصر واگذارشان کرد. بعداً، با توافقات صلح بین اعراب و اسرائیل در کمپ دیوید، تل آویو و قاهره خروج دریای سرخ را بین المللی اعلام کردند و ارتش اسرائیل نیز از این دو جزیره خارج شد. این دو جزیره به طرح عظیمی برای ساخت پل بر فراز خلیج عقبه تعلق دارد که باید عربستان سعودی را به مصر وصل کند.

تیران و صنافیر بر اساس منشور لندن در سال ۱۸۴۰ به مصر تعلق دارد، ولی بعداً، پس از رویدادهای مختلف، در طول جنگ علیه اسرائیل از بی اعتنائی عربستان برخوردار شد. در نتیجه تصور ناپذیر است که مصر حتی با چند میلیارد دالر این جزایر را به عربستان هدیه بدهند.
 از یک هفته پیش، برای درخواست همه پرسى درباره این معامله تظاهرات متعددى به راه افتاد، تمام ناسیونالیست ها از خودشان می پرسند این سىسى واقعا کيست؟

[1] " [L'Albert Einstein Institution : la non-violence version CIA](#) ", par Thierry Meyssan; " [Le manuel états-unien pour une révolution colorée en Egypte](#) ", Réseau Voltaire, 4 juin 2007 et 1er mars 2011.

- [2] " [Opération Sarkozy : comment la CIA a placé un de ses agents à la présidence de la République française](#) ", par Thierry Meyssan, *Réseau Voltaire*, 19 juillet 2008.
- [3] " [Procès des membres d'ONG: les Américains quitteront l'Égypte](#) ", *Sputnik*, 1er mars 2012.
- [4] " [La Commission électorale présidentielle égyptienne cède au chantage des Frères musulmans](#) ", *Réseau Voltaire*, 1er juillet 2012.
- [5] " [Morsi nommé gouverneur de Louxor un responsable du massacre de 1997](#) ", *Réseau Voltaire*, 19 juin 2013.
- [6] " ["بأمرى تتحرك والمؤسسات ..جهادى أى أعتقل لن :المعزول "الظواهرى" و "مرسى" بين التسجيلات بنص ننفرده"](#) ", *Al Bawabh*, 16 octobre 2013.

لینک متن اصلی در شبکه ولتر :

<http://www.voltairenet.org/article191332.html>

لینک متن فارسی در شبکه ولتر :

<http://www.voltairenet.org/article191456.html>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی
۲۵ اپریل ۲۰۱۶

<http://gahnamehvm.blogfa.com/post/840>